

ابر قدرت چیست؟



جورج فریدمن
استراتژیست

پایان جنگ سرد و بر چیده شدن نظم جهانی دوقطبی این سوال را مطرح کرد که دقیقاً چه چیزی یک ابر قدرت را تشکیل می‌دهد؟ یا توجه به تصور برخی از مردم مبنی بر اینکه نفوذ جهانی ایالات متحده نسبت به سایر نقاط جهان در حال ضعیف شدن است، این سوال در چند سال گذشته حتی بیشتر مطرح شده است. به هر حال، چین به دنبال ظهور به عنوان یک بازیگر اصلی است و روسیه از فقر و ضعف دور شده تا به کشوری قدرتمندتر از شوروی سابق تبدیل شود اما هنوز آنطور که باید توفیق نیافته است. در واقع، اصطلاح «ابر قدرت» برای توصیف روسیه - که نگاه در زمینه مشارکت آن با چین - استفاده شده است. صرف نظر از اینکه هر دو کشور به خودی خود ابر قدرت هستند یا نه، این فرض وجود دارد - و به‌ویژه در غرب - که این دو با هم نیرویی تعیین کننده در جهان خواهند بود. اما این یک فرض ناقص یا حداقل زودرس است. برای درک دلیل مدعیان من، ماهیت یک ابر قدرت را در نظر بگیرید. پس از جنگ جهانی دوم، این اصطلاح فقط برای کشورهایی که دارای زرادخانه هسته‌ای بودند استفاده می‌شد. یعنی کشورهایی که ابزار تعیین کننده برای پیروزی حتی در برابر قوی‌ترین دشمنان را داشتند. مسلماً مردم آنها را چنین می‌دیدند. اما ارتش یک کشور هرگز تعریف روشنی از چیستی ابر قدرت نبود. این عمدتاً به این دلیل است که ارتش فهمیده بود مفهوم تخریب متقابل تضمین شده هسته‌ای در هر معادله روبرویی تکامل یافته است و دقیقاً به همین دلیل هم آمریکا و هم شوروی تا حد زیادی تلاش کردند تا نارضایتی‌های خود را علیه یکدیگر به تهدیدهای کوچکتر محدود کنند. این یک مفهوم بی اهمیت نیست. اکنون نیز که بیش از ۶۰ سال از ابداع این مفهوم می‌گذرد و این واژه‌ها و عبارات هنوز مهم هستند، این ایده که قدرت ملی در زندگی ما بسیار مهم است نشان می‌دهد که این مفهوم بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که بسیاری فکر می‌کنند. مثلاً «قدرت بزرگ» چیست؟ فراتر از معناشناسی صرف، آنچه که مقامات دولتی فکر می‌کنند قدرت بزرگ را تشکیل می‌دهد، می‌تواند بر ژئوپولیتیک تأثیر بگذارد، زیرا آنها سیاست را حول این تعریف شکل می‌دهند. آیا یک قدرت بزرگ صرفاً کشوری است که توانایی دفاع از خود و تهاجم به دیگران را دارد؟ اگر چنین باشد، بسیاری از کشورها به درستی می‌توانند به عنوان قدرت‌های بزرگ در نظر گرفته شوند. چین قطعاً می‌تواند خود را قدرت بزرگ معرفی کند. اما اگر فکر کنیم که تنها چند قدرت بزرگ در جهان وجود دارند، پس این تعریف چیزی پیچیده‌تر از محاسبه تعداد سلاح‌ها و سربازان است. گفته شده است که در جنگ، نبرد واقعی در روان نیروها رخ می‌دهد. توانایی شکل دادن به ادراک از واقعیت، شاید مهمترین عامل تعیین کننده یک قدرت باشد. می‌خواهم استدلال کنم که انسجام نیز یک عامل مهم در تعیین قدرت ملی هستند. برای انسجام، جغرافیا عنصری حیاتی است. جغرافیا یعنی توانایی مانور و برقراری ارتباطاتی که مانور به آن وابسته است. نکته عجیبی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که قدرت بزرگ به سلاح‌ها، سربازان، شجاعت و آموزش بستگی دارد، اما به قدرت متقاعد کردن یا القاکردن و یا حتی به‌طور کلی تر، به توانایی انجام کارها بستگی دارد. جنگ با تانک انجام نمی‌شود بلکه با تحویل سوخت به مخازن سوخت تانک انجام می‌شود. من اولین کسی نیستم که چنین چیزی می‌گویم. ما به قدرت نظامی به عنوان موتور عظیم جنگ فکری می‌کنیم. حقیقتی در آن نهفته است. اما ریشه این قدرت توانایی یک نیرو برای حفظ خود را دارند. در چین، قدرت تا حد زیادی توسط پکن تعیین می‌شود که آیا پکن می‌تواند آن را برای یک دوره طولانی حفظ کند یا خیر. جغرافیای داخلی چین و جغرافیای امتداد مرزهای آن نشان می‌دهد که جنگی که در قلمرو آن به راه افتاده، می‌تواند طولانی و پیچیده باشد. این تاریخ چین و آینده آن است. اینکه چین چگونه با مسائل هوشمندانه برخورد می‌کند تعیین می‌کند که آیا می‌توان چین را یک ابر قدرت نامید یا خیر.



جواد مشکور

کارشناس ارشد تاریخ

فتح الله گولن، روحانی ترک تبار مستقر در ایالات متحده، که جنبش اسلامی قدرتمندی را در ترکیه و فراتر از مرزهای آن بنا کرد و سال‌های آخر عمر خود را درگیر اتهامات مربوط به سازماندهی کودتا علیه رجب طیب اردوغان شد، در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

هرکول، وبسایتی که موعظه‌های گولن را منتشر می‌کند، در شبکه اجتماعی ایکس خبر داد که گولن روز یکشنبه در بیمارستانی در ایالات متحده آمریکا درگذشته است. گولن زمانی یکی از متحدان اردوغان بود، اما به مرور زمان اختلافاتی عمیق میان این دو رقم خورد و اردوغان او را مسئول کودتای سال ۲۰۱۶ دانست. در این کودتا برخی نیروهای ارتش ترکیه با استفاده از هواپیماهای جنگی، تانک و هلیکوپتر دست به کودتا زدند و در جریان این کودتا ۲۵۰ نفر کشته شدند. گولن که از سال ۱۹۹۹ در تبعید خودخواسته در ایالات متحده زندگی می‌کرد، دست داشتن در کودتا را رد کرد. به گفته پیروان گولن، جنبش گولن - معروف به هیزمت، که در زبان ترکی به معنای «خدمت» است - به دنبال گسترش یک برند میانه‌رو از اسلام است که آموزش به سبک غربی، بازار آزاد و ارتباطات بیس ادیان را ترویج می‌کند. از زمان کودتای نافرجام در ترکیه جنبش گولن به طور سیستماتیک در ترکیه بر چیده شده و نفوذ آن در سطح بین‌المللی کاهش یافته است. گولن که در میان حامیانش به حرافندی یا معلم محترم معروف است، در سال ۱۹۴۱ در روستایی در استان ارزروم در شرق ترکیه به دنیا آمد. او فرزند یک روحانی یا واعظ اسلامی بود و از دوران کودکی به فراگیری قرآن پرداخت. در سال ۱۹۵۹، گولن به عنوان امام جماعت مسجدی در شهر ادرنه در شمال غربی ترکیه منصوب شد و در دهه ۱۹۶۰ به عنوان واعظ در استان ازبیر در غرب ترکیه شهرت یافت و در آنجا خوابگاه‌های دانشجویی را راه‌اندازی کرد و برای تبلیغ به چایخانه‌ها می‌رفت. این خانه‌های دانشجویی آغاز شکل‌گیری یک شبکه غیررسمی بود که در دهه‌های بعد از طریق آموزش، تجارت، رسانه‌ها و مؤسسات دولتی گسترش یافت و به حامیان او نفوذ گسترده‌ای داد. این نفوذ همچنین از طریق شبکه‌ای از مدارس فراتر از مرزهای ترکیه به جمهوری‌های ترک آسیای مرکزی، بالکان، آفریقا و غرب گسترش یافت. گولن از متحدان نزدیک اردوغان و حزب عدالت و توسعه بود، اما تنش‌های فزاینده در روابط آنها در دسامبر سال ۲۰۱۳ و زمانی که تحقیقات مربوط به فساد که وزرا و مقامات نزدیک به اردوغان را هدف قرار می‌دادند، به وجود آمد. به‌طور گسترده‌ای گمان می‌رود که دادستان‌ها و پلیس وابسته به جنبش گولن در پس این تحقیقات که دولت اردوغان را هدف گرفته بود قرار داشتند و در نهایت در سال ۲۰۱۴ حکم بازداشت گولن صادر شد و دو سال بعد نیز جنبش گولن به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شد. اندکی پس از کودتای ۲۰۱۶، اردوغان شبکه گولن را خائن و «مثل سرطان» توصیف کرد و قول داد که آنها را در هر کجا که هستند ریشه‌کن کند. صدها مدرسه، شرکت، رسانه و انجمن مرتبط با گولن تعطیل و دارایی‌ها توقیف شد. گولن البته کودتا در ترکیه را با ادبیاتی بسیار تند محکوم کرد. وی در بیانیه‌ای گفت: «به عنوان فردی که در طی پنج دهه گذشته به واسطه کودتاهای متعدد نظامی متحمل آسیب شده است، متهم شدن به ارتباط با چنین تلاشی به شکلی خاص توهین آمیز است.»

اندکی پس از کودتای ۲۰۱۶، اردوغان شبکه گولن را خائن و «مثل سرطان» توصیف کرد و قول داد که آنها را در هر کجا که هستند ریشه‌کن کند. صدها مدرسه، شرکت، رسانه و انجمن مرتبط با گولن تعطیل و دارایی‌ها توقیف شد. گولن البته کودتا در ترکیه را با ادبیاتی بسیار تند محکوم کرد. وی در بیانیه‌ای گفت: به عنوان فردی که در طی پنج دهه گذشته به واسطه کودتاهای متعدد نظامی متحمل آسیب شده است، متهم شدن به ارتباط با چنین تلاشی به شکلی خاص توهین آمیز است



درک و بینش گولن از مفاهیمی چون اسلام و دموکراسی در چهار چوب دین اسلام، جزم‌اندیشانه نیست ولی در عین حال از ارزش‌هایی چون مصالحه، ثبات، حفظ حیات انسانی، مقدس بودن و ارزش داشتن نوع

درگذشت روحانی مرموز

فتح الله گولن مؤسس جنبش خدمت ترکیه در سن ۸۳ سالگی در آمریکا درگذشت

عکس: AFP

بشر، عدالت، برابری، گفت‌وگو و مشورت به شدت دفاع و حمایت می‌کند. نظریه سیاسی اسلامی مورد نظر گولن بسیار متعطف است و مسلمانان را نسبت به نوع انتخاب نظام سیاسی مورد نظر خود دچار محدودیت ننموده و به عبارتی حق انتخاب را برای آن‌ها در انتخاب هر نوع نظامی سیاسی دلخواه و مطلوب خود به رسمیت می‌شناسد. در مجموع سه اصل برابری، عدالت و مشورت را می‌توان، اصول و ارزش‌های محوری نظریه سیاسی اسلامی گولن برشمرد. اما گولن بر این باور است که هر یک از این اصول و ارزش‌ها باید مطابق با شرایط زندگی مسلمانان در کشورهای مختلف و متناسب با سنت‌ها، اولویت‌های فرهنگی و سایر عوامل دخیل، صورت عینی به خود گیرد. گولن این گونه استدلال می‌کند که جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی جوامع باید در روند توسعه دموکراسی در کل جهان مورد توجه قرار گیرد. از این رو گولن بر این باور است که بی‌توجهی به این نکته، موجب چالش میان دیدگاه‌های اسلامی با دیدگاه‌های غربی شده است که نتیجه این تقابل، حمله به اسلام و جریان‌ات اصلاحی در سطح جهان اسلام شده است. در عین حال گولن به انتقاد از جریان‌ات دارای افراط و تفریط در جهان اسلام نیز می‌پردازد و دیدگاهی که استقرار دموکراسی در کشورهای اسلامی را منوط به طرد هر گونه سنت اسلامی می‌کند و نیز دیدگاه‌های افراط‌گرایانه‌ای که تمام ارزش‌های غربی و دموکراتیک را نفی نموده و تنها در پی اجرای شریعت اسلامی است را مطابق با واقعیت و منطق نمی‌داند.

گولن همچنین بر این باور بود که دین اسلام به‌ویژه نظام حقوقی آن از اصولی بر خوردار است که با بسیاری از اصول و هنجارهای جهان‌شمول مطابقت دارد و از این رو نه تنها می‌توان از این طریق باب نوعی گفت‌وگو را با سایر فرهنگ‌ها به‌ویژه فرهنگ غرب گشود، بلکه نظام حقوقی اسلام این پتانسیل را نیز دارد که سایر فرهنگ‌ها از اصول و مبانی آن استفاده نیز کنند. در این راستا گولن به نظریه شورا (مشورت دسته جمعی) در اهل سنت به عنوان یکی از این اصول حقوقی مشترک و با ارزش اشاره می‌کند و در مقالات متعدد به تشریح این اصل به‌ویژه مطابقت آن با اصول لیبرال دموکراسی می‌پردازد. گولن در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۵ به این نکته اشاره کرد که اگر دموکراسی را حکومت مردم بر مردم بدانیم، نظریه شورا نیز با حق انتخابی که به مسلمانان برای تعیین نظام سیاسی و رهبران و نمایندگان آن‌ها (به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌دهد) کاملاً با ارزش‌های دموکراتیک امروزی سازگار است. در چهار چوب همین نظریه، گولن به نقاط قوت و مثبتی چون حق اعتراض مسلمانان به حاکم مستقر و مصون نبودن حاکمان مسلمان از انتقاد و برکناری اشاره می‌کند و از این‌ها نیز از مشترکات نظام حقوقی اسلام (مبتنی

بر نظریه شورا) با معیارهای نوین امروزی می‌داند. در واقع دیدگاه‌های گولن را باید در امتداد نظریه‌های تجددخواهی صاحب‌نظران اهل سنت در حوزه اندیشه سیاسی چون رشیدرضا، محمدالریس، ابوالاعلی مودودی و در نهایت سید نوری دانست که هدف مشترک و اصلی آن‌ها هماهنگ کردن رهنمودهای دین با موازین عقل و مقتضیات جهان نو بود. نظریات جدید بازنگرایی و بسط مفاهیم سنتی چون نهاد شورا، مجلس اهل و عقد، شرایط رهبری، شرایط حکومت‌شوندگان و حقوق متقابل آن‌ها، دیدگاه‌هایی را در حوزه اندیشه سیاسی اهل تسنن مطرح نمودند که در قیاس با اندیشه‌های سنتی به مراتب از اقتدارگرایی کمتری برخوردارند. این نظریه‌های جدید، حکومت اسلامی را حکومت شورایی مردم‌سالار و مقید به قانون اساسی اسلامی تعریف می‌کنند. از این رو رهبری جامعه اسلامی بی‌آن که اختیارات مطلق داشته باشد، شأنی همسان رئیس حکومت در دولت‌های مبتنی بر قانون اساسی دارد. بر این اساس، کوشش جنبش گولن در تلفیق آموزه‌های سیاسی و حقوقی دین اسلام (مذهب اهل تسنن) با قواعد و هنجارهای دموکراتیک جهان‌شمول عصر حاضر را باید در امتداد یک کوشش فکری سیمده‌ساله نگریست. در مجموع، رویکرد گولن بر این اصل اساسی استوار است که دموکراسی اسلامی و جریان لیبرال دموکراسی سکولار تفاوت بنیادی و ماهوی وجود ندارد و این دو موضوع، دو پدیده جدا از هم نیستند. نباید جریان دموکراتیزاسیون و مدرنیزاسیون را با غربی‌سازی یکسان شمرد. فرهنگ اسلامی کنونی حاکم بر جهان اسلام توانایی انطباق با معیارهای جهانی در عصر جهانی شدن را داراست و از این رو دولت‌ها و نخبران جهان اسلام نباید مسیر انزوا و یا مخالفت با این ارزش‌های جهانی را در پیش گیرند. راهی که گولن به کشورهای اسلامی پیشنهاد می‌کند گسترش علم و فن‌آوری‌های جهانی است. فرهنگ اسلامی می‌کند گسترش علم و فن‌آوری‌های جهانی است. فرهنگ اسلامی می‌کند گسترش علم و فن‌آوری‌های جهانی است. فرهنگ اسلامی می‌کند گسترش علم و فن‌آوری‌های جهانی است.

چه کسی جانشین گولن می‌شود؟

درون جنبش گولن نیز انشعاب‌ها و دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی وجود دارد. سنت‌گرایان رهبر مشخصی ندارند اما از اسماعیل بویوک چلیبی به عنوان رهبر نام‌نوشته این گروه نام برده می‌شود. این گروه استدلال می‌کنند که آموزه‌های فتح‌الله گولن، حتی آموزه‌هایی که مخالفت ظاهری با دین داشته باشد، حق و تغییرناپذیر است و گولن صاحب حق است و گذشت زمان آن را روشن